

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پردل روستائی

۰۴ نومبر ۲۰۲۱

فاشیسم طالبانی، تحفه اهدائی امپریالیسم و ارتجاع به مردم مظلوم افغانستان

امپریالیسم جنایتگستر امریکا و شرکای ناتوی جنایت و تجاوز در پایان بیست سال اشغالگری مستقیم و کشتار خلق افغانستان، جهت حفظ سلطه استعماری شان به افغانستان و منطقه، دست به یک معامله پنهانی جنایتکارانه با ارتجاع مزدور طالبی که ابزار و دست پروده اش بود، علیه کشور و مردم افغانستان زدند. در جریان اشغال کشور ما توسط همین نیرو های متجاوز امپریالیستی آشکار گردید که امپریالیسم امریکا در عقب بنیادگرایان افراطی اسلامی به ویژه گروه های اجبر دهشت افکن طالب و داعش قرار داشته و برای مدت بیست سال برای جهانیان دروغ گفته است. گروه طالب با دولت مزدور غنی فراری دو روی یک سکه اند. در دوران اشغال امپریالیستی کشور ما طی دو دهه مزدوران وحشی و ویرانگر طالب جنگ قدرت شان را "جنگ ضد اشغال" می نامیدند. در جریان این جنگ اشغالگرانه و ارتجاعی از هر دو سویش، صد ها هزار نفر افغان قربانی جنگ اجبران دو طرف گردیده و صد ها هزار خانواده دیگر به خارج و به داخل مهاجر گردیدند.

سران دولت مستعمراتی قلاده به گردن در برابر اربابان اشغالگر خود تا روز فرار دم جنباندند و از اوامر سازمان آدمکش استخباراتی امریکا "سیا" اطاعت بی چون و چرا کرده و خود در ارتکاب ستم و جنایت، تحمیل فقر و گرسنگی، افزایش نرخ بیکاری و خیانت به میهن و مردم و ستم بر خلق کشور دست باز داشتند و در آخر قبل از روز فرار طبق برنامه اربابان اشغالگر شان دار و ندار دولت مزدور را دو دسته تقدیم مزدوران جنایتکار طالبی کرده و این گروه فاشست را بر مقدارت ملی و اجتماعی زنان و مردان ستمکش این وطن حاکم ساختند.

طبق این برنامه و دسیسه استعماری، اشغالگران امریکائی و غیر امریکائی با اذعان بر شکست مأموریتش، بزدلانه نیرو های اشغالگر نظامی و استخباراتی و قراردادی های خدماتی خویش را از افغانستان بیرون کشیده و نیرو های غیروابسته و مردم ما را در افغانستان تحت سیطره و دره مزدوران مرتجع طالب رها کردند.

فاشیست های هار طالبی علاوه از داشتن اختلافات قبیله ئی در سطح گروه، در قدم اول با تمامیت خواهی مذهبی، تحجر فکری، زن ستیزی، دانش ستیزی، تبعیض، فاشیسم و شوونیسم عظمت طلبانه و مردسالارانه مشخص می شوند. این گروه خود فروخته وارداتی از بیرون با منافع ملی مردم افغانستان بیگانه است و به زور بیگانگان متجاوز و مداخله گر جای مزدوران و پوشالیان ارگ نشین امریکا – ناتو را احراز کرده و فاقد ذره ای وجاهت ملی و پذیرش مردمی است.

از لحاظ اجتماعی، طالبان گروهی است ارتجاعی و محافظه کار ستمگر و استثمارگر که ضدیت با کلیه مظاهر ترقی و پیشرفت در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی، آزادی بیان و رسانه ها و آزادی مراکز علمی و... اهم خصوصیات این گروه اجبر و ستمگر فاقد هویت ملی را می سازد.

این گروه سرازیر شده از جلگه ها و کوه ها به شهر کابل و اعلام "امارت اسلامی" با گذشت دو و نیم ماه نتوانسته توانائی تشکیل دولت و اداره امور دولتی را از خود تبارز دهد. در حالی که در کابل و سائر شهر ها و روستا های کشور فقر و گرسنگی بیداد می کند و کابل مثل سائر شهر های کشور به شهر گرسنگان مبدل شده است، این گروه تمامیت خواه و ماورای ارتجاعی نتوانسته است معاشات کارمندان دولتی خویش را اجراء کند، قانون حکومتی وجود ندارد. طی مدت دو و نیم ماه از حاکمیت طالبانی، تلاشی با مجوز و بدون مجوز خانه های مردم، خریداری اجباری سلاح مردم (طنز قضیه اینست که فروشندگان سلاح هم افراد خود گروه طالبان اند) زجر، کشتار، سر بریدن، ترور مرموز افراد، ناپدید شدن ها، یافت شدن اجساد در کوچه ها و پس کوچه ها، تاراج، دستگیری، شکنجه و آزار، قتل، ارباب و کوچ دادن اجباری اهالی بی دفاع کشور ما از مناطق آبائی و سائر موارد... تا همین امروز روال زندگی مردم مظلوم در تحت حاکمیت دره و تازیانه طالبان را می ساخته است.

طالبان علاوه بر پول های دریافتی جاسوسی به طور همزمان از طرف سازمان های استخباراتی امریکا، پاکستان، چین، روس، ایران، شیوخ قطر، مواد مخدر و غیره منابع، از سفره مردم نان اجباری می خورند، تحت نام عشر از حاصل کار یکساله دهقان ستمکش و بینوای ما به اجبار اخاذی می کنند، عواید بنادر را می بلعند، در شاهراه ها از هر وسائل ترانسپورته باری و مسافربری حق می گیرند و در مسیر های عبور غیرقانونی از مرز به سوی ایران، از هر فرد خرد یا کلان مبلغ یک میلیون تومان ایرانی به زور می ستانند و موارد فراوان دیگر...

گرسنگی، فقر و بیکاری مطلق زحمتکشان و تاراج منابع عایداتی کشور و معاشات دولتی و خصوصی که قبل از طالبان در دوران اشغال کشور و دولت مزدور غنی، از قرار معلوم منبع عایداتی بیش ۷۰٪ اهالی کابل و دیگر شهر ها را می ساخت، زندگی جهنمی مردم جان به لب رسیده را تحمل ناپذیر ساخته است. با مستولی شدن فقر مطلق بر زندگی مردم کابل و سائر شهر ها، پدیده ناامنی، سرقت های مسلحانه، آدم ربائی و سائر اشکال جرایم جنائی در این مدت کوتاه، سیر صعودی پیموده است.

در حالی که نشرات رسانه های چاپی و تصویری تا کنون نجات یافته از تهاجم فرهنگی طالبان بی فرهنگ (به مفهوم فرهنگ بورژوائی حاوی دستاورد های فرهنگی، هنری و علمی - تکنولوژیک)، به شدت سانسور می شوند، هر گونه انتقاد از "امارت" و رویکرد فاشیستی، مردسالارانه و شوونیستی ارتجاع طالبی و یا دفاع از مظاهر فرهنگی پشپرو، از منظر "امارت اسلامی" مترادف با کفر بوده و به شدت سرکوب و محکوم می گردد.

در این میان، ارتجاع اخوانی و قومی بیرون مانده از "امارت اسلامی" تمامیتخواه طالبان در کشور و بیرون از کشور ابراز وجود کرده و با عناوین گوناگون به کمک و همکاری برخی از دول امپریالیستی و مرتجع منطقه از موضع ارتجاعی دست به مقاومت علیه "امارت اسلامی" می زنند. سران و منتفذان فرونخواه دهاره های ارتجاعی و خودفروخته دولتی قبلی اعم از جهادی های سیدقطبی، قُمی و ملیشئی - قومی که تا دیروز در خدمت اشغالگران قاتل امریکائی - ناتوئی بودند و به مردم و میهن جفا و خیانت کردند؛ امروز برای حفظ ثروت های شان، از گروه طالبان امتیاز طلبی می کنند و سهم حقیر خود را از قدرت پوشالی زیر رهبری فاشیست های طالب خواهند. برای این طیف های خودفروخته و مرتجع، مقدرات افغانستان و مردم ستمدیده و اسیر آن صرف یک بهانه است، ورنه همه می دانند

که این مدعیان قدرت طی ۲۰ سال اشغال امپریالیستی کشور، در کنار اشغالگران و علیه مردم خود ایستادند، به وطن خیانت کردند، به رخ مردم سلاح کشیدند و به مظلومان زور گفتند.

قبل از آن که حنای "امارت اسلامی" طالبان رنگ بگیرد، جنگ و ناامنی در اکثر نقاط کشور دامنگیر زندگی صبح و شام مردم هردم شهید افغانستان شده است. گروه های تروریست و آدمکش داعش و طالب که به قولی "کره های سیاه و سفید یک مادیان اند"، دارای دو نام، یک چهره با یک نشان در دو پس زمینه سیاه و سفید اند. در تمامی صفات ممیزه، این دو گروه جنایتکار در کشتار مردم بیگناه ما وجه مشترک دارند و زاده یک زهدان امپریالیسم و ارتجاع اند، در برابر مردم ناآگاه از پشت پرده خود را کاذبانه و ریاکارانه فاتح جنگ با امریکا می دانند و خرد جمعی مردم و آگاهان را دست کم می گیرند. گروه برده منش طالب بدون مجوز سازمان استخبارات پاکستان هیچ کاری را انجام نمی دهد. طالب از چندین گروه و تفکر هول انگیز و نفرت انگیز تشکیل گردیده که این عدم تجانس، خود را در رقابت بر سر کسب مناصب حکومتی، گرایش به تسامح و تخاصم در روش با غیرطالبان، مناسبات با ولی نعمتان بیرونی و سیاست های اجتماعی این گروه، آشکار می سازد. گروه طالبان از لحاظ اعتقادی از گرایش های (سلفی، دیوبندی و حقانیه) تشکیل یافته است. گروه طالب قندهار به سرکردگی ملا برادر در وابستگی امپریالیسم امریکا و گروه حقانی و شاخه های دیگر به سازمان آی اس آی پاکستان و اطلاعات ایران و روس و چین وابسته اند و نیرو های تحت نام اویغور های چینی، ترکستان اسلامی و القاعده ای ها و... دیوبندی اند. مردم عذابیده ما زیر ضربت نیرو های اجبر برخاسته از گور عقب گرائی و بستر های تروریست پروری، گیر مانده اند و راه بیرون رفت از این جهنم طالبی را می جویند.

تحت امارت طالبان فاشیست، مکاتب دختران به طور کل بسته اند. قبلاً معلمان زن در مکاتب پسرانه تدریس می کردند تا کمبود معلمان مرد را تکمیل کنند، حال در کل حق رفتن به مکتب و تدریس را ندارند. شاگردان مکاتب هم دلسرد و مأیوس و ناامید هستند و سران طالب بی جهت به خاطر راضی سازی ملل متحد و "جامعه جهانی" وعده های دروغین می دهند و دانشگاه ها در مرکز و ولایات کشور بسته اند.

همین تروریستان دیروز که خون می ریختند و اجساد پاره پاره و ویرانی به جا می گذاشتند، حالا پیش روی مردم از انتحار و انفجار خود با قساوت و بی شرمی تمام دفاع می کنند و گروه ارتجاعی طالب در ولایات شمالی قطعات انتحاری و انفجاری خود را قطعات استشهادی و فدائی و یا با نام منصوری ایجاد کرده است که دیده می شود که از حملات غیرانسانی انتحاری و انفجاری خود رو گردان نیستند، چون خود زاده مراکز تروریستی بوده و به کمک تروریسم و دسیسه به قدرت رسیدند و باید تا آخر کار تروریستی و توطئه آمیز عمل کرده و بمیرند.

امپریالیسم جنایتکار امریکا با شرکای تجاوز و جنایتش که مسبب تمام مصائب وارده بر کشور و زندگی مردم مظلوم ما است، قبلاً در تفاهم و همکاری با جناح غالب و تمامیتخواه دولت پوشالی مزدور غنی احمدزی و همسوئی با گروه وحشی طالب وحدت اقوام با هم برادر کشور ما را به هم زدند و با انتحار و انفجار و کشتار هدفمند بی گناهان نفرت و انزجار بی پایان مردم ما را کمائی کردند. حالا همین گروه بیگانه پرست و شیفته قدرت در اوج دوری از مردم و مصالح ملی با رویکرد ها و سیاست های تمامیتخواهانه، فاشیستی، شوونیستی و مرد سالارانه ضد ملی و ضد مردمی، راه تکتازی و قدری را در اوج خود فروختگی و ضدیت با مردم کشور در پیش گرفته است.

حالا گروه افراطی وارداتی طالبان و منزوی از مردم، در پیشبرد امور دولتی و ایجاد ساختار های حکومتی قومی خاص به شیوه "امارتی" عاجز و ناتوان است و روز تا روز بی عرضگی تاریخی، انحصارگرایی و ماهیت مزدوری طالب من حیث افزار دول امپریالیسم، آشکار می گردد.

این روز ها به مراتب دیده شده است که خود فروختگان جهادی - قومی عضو دولت سرنگون شده غنی فراری و متعلق به سائر اقوام کشور در پای گروه طالب سر می ساینند تا قصر های فرعونى از دست رفته شان را مجدداً به دست آورده و در کمال مصونیت در گوشه ای از خوان یغمای دولت پوشالی طالب خون زحمتکشان کشور را به شیشه کنند. با این همه و پس از شکست اقتضاح آمیز امپریالیست های اشغالگر در کشور ما، هنوز هم این امپریالیست های رسوا و دول طماع ارتجاعی دور و نزدیک بر افغانستان و ثروت آن چشم نبسته اند و شبکه های استخباراتی دول مختلف بیرونی در کشور ما فعال اند و رویا روئی دارند.

"خلقى - پرچمى" ها پس از کودتای ۷ ثور سال ۱۳۵۷ش، هر مخالفی را "ضد انقلاب" نام می دادند تا دادگاه سوسیال امپریالیستی اربابان شوروی و محاکم ضد انقلابی مزدوران مجوز "قانونی" مجازاتش را صادر کنند. جواسیس دره به دست طالبان نیز به شیوه همان جلاخان "خلقى - پرچمى"، با هر شخصی که شک و مخالفت نمایند، اسم "داعشی" را به وی می دهند و بالایش حمله می کنند تا "حکم شرعی" مجازاتش را حصول کنند. در اکثر موارد طالبان خانواده فرد یا افراد ربوده شده را تهدید به مرگ می کنند که از ناپدید شدن و ترور وی توسط گروه طالبان، با کسی حرف نزنند. طالبان مثل غنی شیداد، شیدادانه در نشرات خویش این ترور ها و اعمال تروریستی گروه خود را تحت نام داعش پنهان می دارند تا ذهنیت عامه کشور و جهان را اغواء کرده و وانمود کنند که ما گروه داعش را سرکوب می کنیم، در حالی که مخالفان خود را سرکوب می کنند که در اکثر موارد افراد غیرمسلح اند.

طومار جنایات سیستماتیک دو ماهه و نیم گروه خون آشام طالبان و "امارت اسلامی" جنایتش در ادامه جنایات قبلی این گروه، بسی طویل است. هر قدر در مورد جنایات گروه طالب قبل و یا به ویژه پس از رسیدن به قدرت، بنویسم، کم است.

خلاصه امپریالیسم جنایت پیشه پس از ارتکاب جنایت ضد بشری و اشغالگری ۲۰ ساله اش در افغانستان اشغالی، سرانجام در امتداد همان تجاوز و جنایت تاریخی، دشمنی اش را با مردم ستمدیده افغانستان اعلام داشته و گروه دمنش طالبی را که در طول دوران اشغال خویش تسلیح، تمویل و تقویت نموده بود، به جای خود و دولت دست ساخت خود به ریاست پوشالی مزدور غنی، گذاشت تا مردم دربند و ستمکش افغانستان روی آزادی را نبینند؛ تا دو باره به منابع سرشار معدنی کشور ما دست تاراج اندازند و در تحرکات اطلاعاتی و نظامی خود در افغانستان و منطقه دست باز داشته باشند.

"امارت اسلامی طالبان" در حالی به دلیل بی عرضگی تاریخی، مردم ستیزی، سیاست های نفاق افکنانه و مزدوری مضاعف گروه اجیر طالبان، تا هنوز روی کاغذ باقی مانده است که مجموعه این تضاد های فی مابین جناح های طالبان و میان این گروه و حامیان بیرونی آن، رقابت و فزونخواهی حامیان بیرونی و جدائی طالبان از مردم، عمر طولانی نخواهد داشت. علاوه از ظرفیت تخریبی بالقوه مکنون در وجود توده های تحت ستم و رستاکیز ضد طالبانی آنها، "امارت اسلامی" حتی قبل از روز اعلامش توسط گروه رقیب "داعش" تا روز وقوع انفجار (دوم نومبر) در شفاخانه "چهارصد بستر" کابل بدون وقفه تهدید شده است. طبق خبر، در حمله تروریستی خونین گروه داعش به تاریخ دوم نومبر در آن شفاخانه، به تعداد ۲۳ نفر کشته و ۵۰ تن زخمی شدند. گفته اند که چاه کن در چاه است و سیاست وفا و بقاء ندارد. مولوی احمدالله خون آشام، فرمانده قول اردوی کابل که یکی از فرماندهان و چاه کنان گروه طالبان بود، نیز در میان کشتگان است و در چاهی افتاد که او برای مردم بیگناه افغانستان می کند و این بار داعش برایش کند. گفته می شود که مولوی احمدالله، اولین فرد طالبان بود که پس فرار غنی خائن و سقوط دولت پوشالی اش، وارد ارگ پوشالیان شده و بر چوکی غنی نشست. همین حملات موجوار داعش که بیانگر تضاد و تخاصم بخشی از طالبان با امپریالیسم امریکا و

شرکاء و ستراتیژی و برنامه آتی دهشت افکنانه، سبوتازی و ویرانگرانه و بازدارنده همین نیرو های امپریالیستی در برابر رقبای چینی و روسی و متحدان آن دو قدرت امپریالیستی در میدان رقابت افغانستان است، به خودی خود مانع بزرگی در برابر قوام و جا افتادن و سیطره سراسری و یکدست "امارت اسلامی طالبان" بر افغانستان است.

مردم ما باید این حقیقت دردناک را که در عقب تمام تجاوز، اشغالگری، جنگ تجاوزکارانه، دسایس، قتل، کشتار، انتحار، انفجار، سنگسار، ویرانگری، مکتب سوزی، فقر و بیکاری و گرسنگی عمدی در کشور ما توسط اشغالگران و مزدوران دولت قبلی، و جنایات جاریه طالب و داعش و دسایس و تحرکات جاری سائر دول امپریالیستی و مرتجع منطقه؛ به طور عمده و اساسی از سال ۲۰۰۱ میلادی تا امروز و تا آینده ها، امپریالیست های جنایتکار امریکا - ناتو قرار داشته و خواهند داشت.

شکست امپریالیسم اشغالگر و سپردن قدرت پوشالی به نیروی مرتجع و مزدور طالبان، از منظر سیاسی تا کنون سه نتیجه ملموس داشته است:

الف:- تبدیل شدن افغانستان از موقعیت مستعمراتی به کشوری در موقعیت نیمه یا نومستعمراتی؛

ب:- عمده شدن مبارزه طبقاتی و متمایز شدن مرزبندی طبقاتی به جای مبارزه عمده ملی دوره اشغال و همسویی نسبی و مقطعی طبقات و اقشار ضد امپریالیستی؛

ج:- ابطال توهم، فریب و خودفریبی تسلیم طلبانه در مورد مأموریت امپریالیسم اشغالگر مبنی بر زدن فنودالیسم، نمایندگان سیاسی آن اخوان و آوردن دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، تمدن و تکنیک در افغانستان اشغالی.

امروز در افغانستان نیمه مستعمره تحت سیطره طالب، سلطه غیرمستقیم امپریالیستی در وجود سلطه طبقاتی پایگاه اجتماعی طالبان یعنی طبقات حاکم "فنودال" و "بورژوازی کمپرادور" نهفته است. به زودی در کشور ما فعل و انفعالات جاری، تخصص و صف بندی طبقاتی توأم با مبارزه طبقاتی وضوح و تشخیص بیشتری خواهد یافت.

راه نجات دوزخیان (طبقات و اقشار اجتماعی محکوم جامعه شامل کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط) از جهنم آفریده شده توسط امپریالیسم، ارتجاع منطقه و مزدوران فاشیست طالبان، چشم دوختن به سازمان ملل، کنفرانس های ارتجاعی مسکو، تهران، دهلی نو، بیجینگ، ترک کشور، الطاف امپریالیست ها و دست غیب نیست. مبارزه ای که در پیش است، مبارزه طبقاتی است، یعنی مبارزه مشترک طبقات و اقشار محکوم در برابر طبقات حاکم و سلطه و دولت آن که هم اکنون "امارت اسلامی طالبان" نام دارد. با توجه به واقعیت های جاری افغانستان، تشتت و عدم آگاهی توده ها، تحمیق معنوی زحمتکشان، سرکوب خونین چهار دهه نیرو های پیشاهنگ انقلابی خلق و در نتیجه تضعیف آن، مبارزه ای دشوار تر و پرشکنج تر از رزم ضد استعماری و بالاثرب، وحدت رزمنده خلق در مسیر چنین مبارزه ای، خیلی دشوار خواهد بود.

اما به رغم کلیه مشکلات و موانع ذاتی در مسیر چنین مبارزه ای، ایجاد ستاد رزمنده و پیشتاز انقلابی رهبری کننده خلق، وحدت، انسجام و به پا خاستن آگاهانه زحمتکشان علیه سلطه طبقاتی طالب و سیطره موجود امپریالیستی از کانال آن، یگانه راه رستگاری زحمتکشان تحت ستم و استثمار، گرسنگان و دوزخیان از جهنم و زندان فاشیست های طالب است.

آزادی ملی، دموکراسی، ترقی و عدالت اجتماعی!

مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!